

آسیب‌ها و چالش‌های امنیتی‌سازی مسائل داخلی؛ مطالعه موردی شبکه‌های اجتماعی مجازی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۶

رسول زارع‌زاده*

چکیده

نظریه امنیتی‌سازی یکی از پرکاربردترین و بحث‌برانگیزترین نظریه‌های امنیتی معاصر است که توسط پژوهش‌گران در تبیین پدیده‌ها و اقدامات مختلف امنیتی به کار گرفته شده است. این مقاله درصدد کاربرد و پیاده‌سازی این نظریه در حوزه نادیده گرفته شده و کمتر کارشده امنیت داخلی با بررسی موردی آسیب‌شناسی امنیتی‌سازی شبکه‌های اجتماعی مجازی در جمهوری اسلامی ایران بر اساس روش پژوهش کتابخانه‌ای-اسنادی است. نویسنده ضمن اذعان به سخت‌تر بودن امنیتی‌سازی مسائل داخلی نسبت به مسائل خارجی، معتقد است که مواردی نظیر تعدد بازیگران تصمیم‌گیر و ابهام در صلاحیت بازیگر امنیتی‌ساز، چارچوب‌بندی و تصویرسازی نامناسب از تهدید، بی‌توجهی یا کم‌توجهی به ویژگی‌های بافت اجتماعی و تنوع مخاطبان، سیاست‌گذاری نامناسب و غیرامنیتی‌نکردن به موقع از مهم‌ترین عواملی بوده که امنیتی‌سازی شبکه‌های اجتماعی مجازی را در جمهوری اسلامی ایران با چالش مواجه کرده است.

واژگان کلیدی: امنیت، امنیتی‌سازی، امنیت داخلی، شبکه‌های اجتماعی مجازی، بازیگر امنیتی‌ساز، غیرامنیتی‌کردن

Zarea1756@gmail.com

* پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین(ع)

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال بیست‌و‌چهارم • شماره دوم • تابستان ۱۴۰۰ • شماره مسلسل ۹۲

مقدمه

امنیت داخلی از مفاهیمی است که در حوزه مطالعات امنیتی کمتر بدان پرداخته شده است. علت عمده این بحث را باید در مواردی همچون قراردادن خاستگاه مطالعات امنیتی در مغرب زمین، تعریف آن به عنوان زیررشته فرعی از روابط بین‌الملل، توکد آن بعد از جنگ جهانی دوم و تکامل آن در فضای جنگ سرد دانست. در چنین بافت موقعیتی، بدیهی بود که امنیت داخلی موضوعیت نداشته باشد؛ چون نه در آن جغرافیای زمانی و مکانی موضوعات امنیت داخلی اهمیت داشت و نه روابط بین‌الملل به عنوان مادر مطالعات امنیتی به مطالعه مسائل امنیت داخلی توجه داشت. اما به تدریج با تغییر اوضاع و شرایط -به‌ویژه بعد از فروپاشی شوروی و از بین رفتن فضای دوقطبی ناشی از جنگ سرد- و ورود نظریه‌های جدید، مسائل امنیت داخلی وارد برخی نظریه‌پردازی‌ها شد.

در نسبت‌سنجی میان نظریات امنیتی و امنیت داخلی می‌توان سه رویکرد را از هم متمایز کرد. نظریه‌پردازان جریان اصلی مطالعات امنیتی (به‌ویژه رئالیسم) بیشتر نگاهی بیرونی به تهدیدهای امنیتی داشته و بیشتر به برجسته‌سازی ابعاد نظامی امنیت پرداخته‌اند. بنابراین، برای آنها امنیت داخلی چندان اهمیتی ندارد. برخی دیگر همچون بوزان به امنیت داخلی نگاهی تبعی داشته و موضوعات داخلی را وقتی زمینه‌ساز و تقویت‌کننده تهدیدهای بیرونی شده‌اند، موضوع مطالعات امنیتی دانسته‌اند. در مقابل، برخی نظریه‌های متأخر مانند رهیافت پسااستعماری یا جهان‌سوم‌گرا نیز وجود دارند که معتقدند مسائل امنیتی برخی از کشورها بیش از آنکه متأثر از ابعاد بیرونی تهدید باشد، نشأت گرفته از مسائل داخلی آنهاست (زارع‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۶-۱۲). با این حال، با توجه به اهمیت بومی‌نگری در علوم انسانی و سیر تحولات مسائل امنیتی در جامعه ایران، به نظر می‌رسد مسائل امنیت داخلی، یکی از حوزه‌های مهم و قابل تأمل در مطالعات مراکز پژوهشی امنیتی جمهوری اسلامی ایران، هم از حیث نظری و هم از نظر عملی باید باشد.

یکی از نظریه‌هایی که در سال‌های اخیر برای تبیین مسائل امنیت داخلی به‌کارگیری شده، نظریه «امنیتی‌سازی»^۱ است. این نظریه که ابتدا توسط «ویور» ارائه و بعداً توسط سایرین تکمیل شده، به خوبی درصدد تبیین چگونگی ظهور و بروز تهدیدهای امنیتی است؛ چه تهدید، بیرونی باشد یا داخلی. آنچه

اهمیت این نظریه را دو چندان می‌کند، سویه‌های توأمان کاربردی و انتقادی آن است. در سویه کاربردی، این نظریه بیشتر از آنکه نظریه‌ای ارزیابی‌کننده یا تحلیل‌گر باشد، نظریه مدیریتی است که برای مدیران امنیتی نحوه مدیریت‌کردن پدیده‌های امنیتی را تبیین می‌کند (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۵: ۵۰۹). در مقابل، سویه انتقادی این نظریه به بررسی مسئولیت کارگزاران سیاسی و امنیتی در شکل‌گیری تصاویر تهدید و لزوم پاسخ‌گوبودن آنها درباره اقدامات انجام‌شده در زمینه مواجهه و مقابله با تهدیدهای ادعایی است (Balzacq, 2011a: xiii). جالب آنکه این سویه‌ها انطباق خاصی با مفهوم «امنیت داخلی» دارند. با در نظر گرفتن این دو جنبه، این مقاله در راستای موردپژوهی «امنیتی‌سازی شبکه‌های اجتماعی مجازی» در پی پاسخگویی به این پرسش است که امنیتی‌سازی مسائل داخلی در جمهوری اسلامی ایران با چه آسیب‌ها و چالش‌هایی روبرو بوده است؟

الف. امنیتی‌سازی به‌مثابه چارچوبی برای تحلیل اقدامات امنیتی

ایده اصلی نظریه امنیتی‌سازی آن است که هیچ موضوعی به خودی خود امنیتی نیست، بلکه مسائل به شکل امنیتی برساخته می‌شوند. از این نگاه، امنیتی‌سازی فرایند «موجودیت‌یافتن» یک مسئله به عنوان تهدید است. به عبارت دقیق‌تر «امنیتی‌سازی، مجموعه مفصل‌بندی‌شده‌ای از اعمال است که به موجب آن بازیگر امنیتی‌ساز، عناصر اکتشافی مختلف (از جمله استعاره‌ها، ابزارهای سیاست‌گذاری، گزارش‌های تصویری، قیاس‌ها، کلیشه‌ها، عواطف و مانند آن) را با توجه به بافت (جامعه) بسیج کرده تا شبکه‌ای منسجم از معانی (احساسات، عواطف، اندیشه‌ها و بینش‌ها) درباره آسیب‌پذیری قطعی هدف مرجع را در (ذهن) مخاطب ساخته و نظر او را با دلایل خود درباره گزینه مطلوب و اقدامات (مربوط در آن راستا) موافق کند. این امر از طریق قراردادن موضوع ارجاع (تهدیدکننده) به‌مثابه تهدید بی‌سابقه که جلوگیری از رشد آن مستلزم اخذ سیاستی فوری است، انجام می‌پذیرد» (Balzacq, 2011: 3).

پس کارگزاران سیاسی و امنیتی با برچسب‌گذاری وصف «امنیتی» به یک مسئله، به دنبال آن هستند که اولاً، آن را به‌مثابه تهدیدی وجودی برای یک هدف مرجع - چیزی است که بقای آن ضروری فرض شده و باید حفظ شود - معرفی کنند. ثانیاً، اعلام کنند که شرایطی اضطراری و فوری پیش آمده که نیازمند تعلیق قوانین عادی و اخذ اختیارات فراقانونی است؛ تا تدابیر فوق‌العاده‌ای برای مقابله با تهدید ادعایی به‌کار گرفته شود (Williams, 2003: 514). بدیهی است این امر ظرفیت مناسبی

را برای مواجهه و مدیریت آن مسئله در اختیار کارگزاران سیاسی و امنیتی خواهد گذاشت. در این فرایند، سه نوع بازیگر نقش ایفا می‌کنند؛ بازیگر امنیتی‌کننده^۱ که عبارت است از فرد یا گروهی که با اعلام در معرض تهدید بودن موجودیت هدف مرجع، مسائل را امنیتی می‌کند. بازیگر صاحب نقش^۲ (کارکردی) که عبارت است از بازیگری که هرچند نقش مستقیمی در امنیتی کردن مسائل ندارد، ولی تأثیر چشم‌گیری بر تصمیمات در حوزه امنیت می‌گذارد و از این‌رو، روند امنیتی‌سازی یک مسئله را تسریع کرده یا آن را با تأخیر مواجه می‌کند (بوزان و دیگران، ۱۳۸۶: ۶۷).

همچنین، بازیگر یا بازیگران مخاطب^۳ نقش محوری در امنیتی‌سازی دارند. آنهایی که باید متقاعد شوند تا حرکت امنیتی‌ساز موفق شود. هرچند اغلب، مخاطب معادل با شهروندان و توده مردم فرض می‌شود، اما ویور معتقد است که آن می‌تواند بر اساس نظام سیاسی و ماهیت مسئله امنیتی‌شده، متفاوت باشند (Waever, 2003: 11-12). محققان پساکیپنهاگی اهمیت بیشتری برای جایگاه مخاطب در امنیتی‌سازی قائل هستند. آنها با توجه به نقش اساسی مخاطبان در شکست یا موفقیت امنیتی‌سازی، معتقدند که مخاطبان نه تنها گروه همگنی نیستند، بلکه دارای طیف‌های متفاوت بوده و در برابر استدلال‌های مختلفی شنوا هستند و در نتیجه، هر گروه از مخاطبان می‌تواند دارای قدرت متفاوتی باشد. از این‌رو، سالتر معتقد به وجود چهار نوع متمایز از مخاطب شامل مخاطب عمومی، نخبگانی، تکنوکراتیک و علمی است که هر کدام، حرکت امنیتی‌ساز متفاوتی را از سوی بازیگر امنیتی‌ساز الزامی می‌کنند (Salter 2008: 329). بالزاک از زاویه دیگری به این بحث علاقه نشان داده است. به اعتقاد وی، در حالی که مکتب کیپنهاگ به مخاطب به‌عنوان طبقه معین و رسمی که اغلب در حالت پذیرش، ثابت انگاشته می‌شود، می‌نگرد، نگاه پساکیپنهاگی قائل به وجود رابطه‌ای متقابل میان مخاطب و بازیگر امنیتی‌ساز است.

همچنین، بالزاک معتقد است «برای آنکه مسئله‌ای تبدیل به مسئله امنیتی شود، مخاطب توانمندسازی^۴ باید با ادعاهای بیان‌شده از سوی بازیگر امنیتی‌ساز موافقت کند. مخاطب توانمندساز، مخاطبی است که اولاً، ارتباط علی مستقیم با مسئله دارد؛ ثانیاً، دارای این

-
1. Securitized actor
 2. Functional actor
 3. Audience
 4. Empowering audience

توانایی (صلاحیت) است که بازیگر امنیتی‌ساز را برای اتخاذ تدابیر در راستای مقابله با تهدید توانمند کند» (Balzacq, 2011b: 8-9).

ابزارها و مکانیسم‌های شکل‌دهی فرایند امنیتی‌سازی نیز می‌تواند متنوع و متفاوت باشد. کنش گفتاری^۱ رهبران سیاسی مرسوم‌ترین ابزاری است که مکتب کپنهاگ بر آن تأکید دارد. به‌زعم آنها، از دیرباز نمایندگان دولت با به‌زبان‌راندن واژه «امنیت» شرایط اضطراری اعلام کرده و مدعی حق استفاده از تمامی وسایل لازم برای جلوگیری از بروز تحولی تهدیدکننده شده‌اند (بوزان و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۶-۴۵). اما نظریه‌پردازان پساکپنهاگی معتقدند کنش گفتاری رهبران سیاسی تنها ابزار زبانی مورد استفاده نبوده و باید به سایر ابزارهای زبانی مانند تصاویر و نمایش‌های بصری (فرآورده‌های سینمایی، تلویزیونی و ...) به مثابه آشکال و ابزارهای بالقوه امنیتی‌سازی در جهان امروز توجه کرد (McDonald, 2008: 568) به‌ویژه آنکه آنها در چارچوب‌بندی و تصویرسازی تهدیدها در جامعه تأثیر به‌سزایی دارند.

از سوی دیگر، برخی محققان از نقش مکانیسم‌های غیر گفتاری در امنیتی‌سازی صحبت می‌کنند. تیری بالزاک معتقد است نظام‌های سیاسی با توسل به نهادها و ابزارهای سیاست‌گذاری، سامانه‌ای^۲ را سامان داده که خروجی آن، امنیتی‌شدن برخی اعمال و پدیده‌هاست. به‌تدریج و تحت تأثیر این ابزارهای امنیتی‌سازی، برخی تصاویر تهدید و برخی نگرش‌های امنیتی به صورت عادت‌واره در ذهن افراد جامعه ته‌نشین شده و بنابراین، امنیتی‌سازی دیگر حالتی ناآگاهانه و روزمره به خود می‌گیرد (Balzacq, 2011b: 16). به نظر «دیدیه بیگو» نیز مطالعات امنیتی‌سازی علاوه بر کنش گفتاری مرسوم، باید بر نقش شبکه‌های حرفه‌ای امنیت، نظام معانی که آنها به وجود می‌آورند و قدرت مولد اقدامات‌شان در این زمینه تمرکز کند. در این صورت، باید به نقش اقدامات فیزیکی روزمره و توالی کنش فیزیکی - گفتاری در چارچوب امنیتی‌سازی بیش از پیش توجه کرد (بیگو، ۱۳۹۲: ۲۱۱ و ۲۱۴-۲۱۳).

با این حال، امنیتی‌سازی، فرایند و کارزاری است که می‌تواند در نهایت موفقیت‌آمیز یا ناکام باشد. از این‌رو، مکتب کپنهاگ برای تبیین بهتر شرایط موفقیت حرکت امنیتی‌کننده و تبدیل آن

1. Speech act
2. Dispositif

به امنیتی‌سازی، به نقش «شرایط تسهیل‌کننده»^۱ توسل جسته است. به اعتقاد آنها، کامیابی و موفقیت هر کنش گفتاری امنیتی در گرو دو دسته از شرایط است: الف. شرایط درونی (زبانی-دستوری) و ب. شرایط بیرونی (زمینه‌ای-اجتماعی). منظور از این شرایط، بهره‌مند بودن از جایگاهی است که بتوان به اتکا به آن، کنش یادشده را عملی کرد. جنبه بیرونی کنش گفتاری، دو شرط عمده دارد؛ یکی، شرایط اجتماعی مرتبط با جایگاه اقتدار بازیگر امنیتی‌کننده-یعنی رابطه میان گوینده و مخاطب- و به تبع آن، احتمال اینکه مخاطبان ادعاهای مطرح‌شده توسط بازیگر امنیتی‌ساز را بپذیرند (سرمایه اجتماعی بازیگر امنیتی‌ساز). دومین شرط بیرونی، به ویژگی‌های تهدیدهای ادعایی برمی‌گردد که امنیتی‌شدن موضوع را تسهیل می‌کند یا مانع آن می‌شود (بوزان و دیگران، ۱۳۸۶: ۶۳-۶۲).

اندیشمندان پساکنپهاگی نیز به این موضوع توجه داشته‌اند. به نظر بالزاک، امنیتی‌سازی موفق در حیطه کنش گفتاری به سه عامل بستگی دارد: ۱. بافت و جایگاه قدرت کارگزاری که آنها را به زبان می‌آورد؛ ۲. اعتبار نسبی اظهاراتی که برای کسب رضایت مخاطب بیان شده است؛ و ۳. روشی که بازیگر امنیتی‌ساز برای مطرح‌سازی مسئله‌ای به عنوان وضعیت خطرناک به کار می‌گیرد. پس برای آنکه گفتار امنیتی بتواند قدرت متقاعدسازی داشته باشد، در ابتدا باید مخاطبان بپذیرند که گوینده آن (بازیگر امنیتی‌ساز) می‌داند چه خبر است و اطلاعات ویژه‌ای درباره مسئله‌ای که به عنوان تهدید مطرح شده، دارد. علاوه بر این، آن بازیگر امنیتی‌ساز در راستای علایق و منافع عمومی فعالیت می‌کند. چنین اقتداری منتج از دانش (یک نوع سرمایه فرهنگی)، اعتماد و جایگاه قدرت (سرمایه سیاسی یا نمادین) بازیگر امنیتی‌ساز است. نکته دوم، به این اشاره دارد که ادعاهای مقامات دولتی باید توسط نشانه‌ها و شواهدی که در جهان واقع وجود دارند، اثبات شوند. پس قدرت کلمات تنها به اقتدار گوینده آن بستگی ندارد، بلکه باید شواهدی که از محیط واقعی نشأت می‌گیرند، همخوانی داشته باشند.

در کنار دو عامل فوق، استراتژی گفتاری (گفتمانی) نمایش داده شده توسط گوینده (بازیگر امنیتی‌ساز) قدرت کارگزاری کلمات را مشروط می‌کند. شیوه‌ای که بازیگر امنیتی‌ساز، موردی را در

1. Facilitating conditions

معرض خطر معرفی می‌کند، حداقل از دو اصل پایه تبعیت می‌کند: ۱. شدت عاطفی^۱ و ۲. انسجام منطقی^۲ (توجه به مواردی همچون اثبات بحرانی بودن مسئله، بیان چگونگی اهمیت یافتن آن برای مخاطب و اشاره به پیامدهای آن). بنابراین، نیروی عملی گفتار (گفتمان) از تعامل میان استحکام منطقی آن و پویایی قدرت اجتماعی ناشی می‌شود (Balzacq, 2011b: 26). علاوه بر این، او معتقد است: بازیگر امنیتی‌ساز برای انجام امنیتی‌سازی موفق، نیازمند دو نوع پشتیبانی از سوی مخاطبان است: اخلاقی^۳ و رسمی^۴. هرچند این دو نوع پشتیبانی در مواردی با هم تعارض داشته، اما هرچه این دو با هم هماهنگ‌تر باشند، مسئله عمومی با موفقیت بیشتری تبدیل به مسئله امنیتی خواهد شد. همچنین، وی بر نقش بافت در موفقیت امنیتی‌سازی تأکید دارد. به نظر وی، تنها به واسطه قدرت جادویی کلمات نمی‌توان تهدید را موجودیت بخشید، بلکه باید این صورت‌بخشی زبانی توسط بافت نیز مورد تأیید قرار گرفته و تقویت شود.

به بیان بالزاک، مجموعه معنایی امنیت ترکیبی از معنای متنی^۵ (دانش معانی اندوخته‌شده از طریق زبان «نوشتاری یا گفتاری») و معنای فرهنگی^۶ (دانش کسب‌شده از طریق تعاملات قبلی و شرایط فعلی) است. پس بعد انشایی و انجام‌گری امنیت مبتنی بر تعامل میان نظم معنایی و شرایط بافتاری است. در واقع، جلب توجه مخاطب به سمت تصویر ساخته‌شده از یک مسئله به‌عنوان تهدید، علاوه بر به‌کارگیری مناسب زبان امنیتی و قدرت کلمات، نیازمند تقویت و تشدید از سوی بافت و زمینه بیرونی است (Balzacq, 2011b: 11-13).

مفهوم محوری دیگر در نظریه امنیتی‌سازی «غیرامنیتی‌سازی»^۷ است. از نگاه نظریه‌پردازان امنیتی‌سازی، به این علت که امنیتی‌سازی یک مسئله، نوع خاصی از سیاست اضطرابی را به‌دنبال خواهد داشت که در آن، فضا و زمان مجاز برای مشورت، مشارکت و چانه‌زنی ضرورتاً محدود شده و حالت خاص و نظامی‌شده از تفکر را به کار خواهد انداخت، همیشه امنیتی‌سازی خوب

-
1. Emotional intensity
 2. Logical rigor
 3. Formal support
 4. Moral support
 5. Textual meaning
 6. Cultural meaning
 7. Desecuritization

نیست (زارع‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۰۷). کارگزاران امنیتی، هم باید در شرایط ضروری دست به امنیتی‌سازی یک مسئله زده و هم در بازه زمانی مناسب بتوانند آن را غیرامنیتی کنند. با این حال، باید توجه شود که غیرامنیتی کردن یک مسئله به این معنا نیست که آن تهدید دیگر وجود ندارد؛ بلکه تنها به این معناست که آن مسئله به سطح سیاسی پایین‌تری انتقال می‌یابد؛ به نحوی که افکار عمومی به بحث در مورد آن می‌پردازند و حکومت‌ها نیز به تناسب در واکنش به آن سیاست‌هایی در پیش می‌گیرند.

در مجموع، ایجاد درک مشترک از بحرانی بودن یک مسئله که دربردارنده اولویت اقدام نیز باشد، نکته اصلی امنیتی‌سازی موفق است. با این حال، دانستن اینکه مشکل چیست، به ما نمی‌گوید که چه چیزی آن را، برای چه کسی، چرا و چرا اکنون تهدید می‌سازد؟ از این رو، برای نگاه آسیب‌شناسانه به اقدامات انجام‌شده در حوزه امنیتی‌سازی یک مسئله لازم است که نگاه جامعی به همه عوامل و مؤلفه‌های دخیل در آن داشت. الگوی ارائه‌شده از سوی بالزاک تحت عنوان «سطوح و واحدهای تحلیل امنیتی‌سازی» می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد. به نظر وی، مطالعه موردی، رایج‌ترین راهبرد تحقیق در حوزه امنیتی‌سازی است. با این حال، وی هشدار داده که در این راهبرد بیش از آنکه در مورد تعداد منطقی موردها صحبت شود، باید به واحد و سطح تجزیه و تحلیل توجه داشت. بنابراین، وی به منظور تقویت فرایند طراحی تحقیق، سه سطح تحلیل برای مطالعات موردی در زمینه امنیتی‌سازی پیشنهاد کرده است:

سطح ۱. عوامل کارگزاری: این سطح بر بازیگران و روابطی که وضعیت (موقعیت/شرایط) تحت امنیت را ساختار می‌بخشند، متمرکز است. که شامل چهار بعد یا جنبه است: الف. کسانی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در طراحی یا ظهور مسائل امنیتی نقش دارند یا در برابر این روند مقاومت می‌کنند (بازیگران امنیتی‌ساز، مخاطبان و بازیگران کارکردی)؛ ب. موقعیت و روابط قدرت بازیگران مشخص‌شده در مورد الف؛ ج. هویت‌های شخصی و هویت اجتماعی که هم عملکرد بازیگران

مشخص شده در بند الف را محدود کرده و هم امکان‌پذیر می‌سازد؛ د. هدف مرجع^۱ و موضوع مرجع^۲ یا چیزی که تهدید شده و چیزی که تهدید می‌کند (Balzacq, 2011c: 35-36).

سطح ۲. کنش‌ها: این سطح به اعمال هم‌گفتمانی و هم‌غیرگفتمانی - توجه دارد که فرایندهای امنیتی‌سازی مورد مطالعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. خروجی بسیار مهم (این امر) آن است که سیاست‌ها و روش‌هایی را که در ایجاد امنیت نقش دارند، به طور کامل شرح می‌دهد؛ چون آنها مستلزم عمل هستند و به متغیرهایی اشاره دارند که فرازبانی هستند. این سطح نیز چهار بُعد دارد که عبارتند از الف. نوع کنش: که به زبان مناسب مورد استفاده اشاره دارد تا کنش مشخصی اجرا شود (قواعد دستوری و نحوی زبان)؛ ب. وجه استراتژیک: بازیگر امنیتی‌ساز کدام صنایع اکتشافی^۳ (مصنوعات ابتکاری / صنایع ادبی) را به کار می‌گیرد تا شرایطی را ایجاد کند (یا آن شرایط را تشدید کند) که بسیج مخاطب را تسهیل کند (مانند تشبیهات، استعاره‌ها، کنایه‌ها، احساسات یا کلیشه‌ها). بنابراین، چه نوع قاب‌ها (چارچوب‌هایی) ساخته می‌شوند و بر حول کدام خط داستانی و کدام رسانه مطلوب است: رسانه الکترونیکی یا چاپی؟ ج. وجه سوم از طریق سامانه (دیسپوزیسیون) امنیتی‌سازی (مجموعه‌ای از اعمال و ابزارها) بیان می‌شود؛ و د. سیاست^۴ نشأت گرفته از امنیتی‌سازی (Balzacq, 2011c: 36).

سطح ۳. بافت^۵: گفتمان در خلأ اتفاق نیفتاده و در آن کار نمی‌کند. بر عکس، گفتمان در بافت محدود شده یا توانمند می‌شود. از این گذشته، تهدیدها از زمینه‌های خاصی (بافت‌های خاص) برخاسته و در چارچوب آن کار می‌کنند. در نتیجه، برای درک معنای هر گفتمان، لازم است آن را در بافت اجتماعی و تاریخی‌اش قرار دهیم. بالزاک معتقد است که دو نوع بافت ممکن است بر فرایند امنیتی‌سازی اثرگذار باشند؛ یکی، بافت نزدیک^۶ که شامل نوعی موقعیت یا ژانر تعامل شرکت‌کنندگان در یک اپیزود است (مانند جلسه یا مصاحبه اجلاس سران) و دیگری، بافت دور^۷ که بر قرارگرفتن

-
1. Referent object
 2. Referent subject
 3. Heuristic artefacts
 4. Policy
 5. Context
 6. Proximate context
 7. Distal context

متن در بافت اجتماعی - فرهنگی تأکید دارد. این بافت به مواردی مانند طبقه اجتماعی، ترکیب قومی مشارکت‌کنندگان، نهادها و موقعیت‌هایی که گفتمان در آن رخ می‌دهد (محیط‌های فرهنگی، منطقه‌ای و زیست محیطی) اشاره دارد (Balzacq, 2011c: 36-37). در ادامه تلاش شده با بهره‌گیری از این نظریه و با موردپژوهی «امنیتی‌سازی شبکه‌های اجتماعی مجازی در جمهوری اسلامی ایران» به آسیب‌شناسی امنیتی‌سازی مسائل در حوزه امنیت داخلی پرداخته شود.

ب. امنیتی‌سازی شبکه‌های اجتماعی مجازی

تمایل بشر به اجتماعی‌بودن و اجتماعی‌کردن سبب شده تا در نتیجه رشد فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، محیط اینترنت به جامعه‌ای مجازی تبدیل شود. این مهم با توسعه محیط مجازی در قالب «وب معناگرا»^۱ و ایجاد رابطه تعاملی، در ساختار شبکه‌های اجتماعی مجازی ظهور یافته است. شبکه‌های اجتماعی مجازی پایگاه یا مجموعه پایگاه‌هایی اینترنتی هستند که امکاناتی فراهم می‌آورد تا کاربران بتوانند علاقه‌مندی‌ها، افکار و فعالیت‌های خود را با دیگران به اشتراک بگذارند و دیگران هم این افکار و فعالیت‌ها را با آنان سهیم شوند. به عبارت دیگر، شبکه اجتماعی، مجموعه‌ای از سرویس‌های مبتنی بر وب است که این امکان را برای اشخاص فراهم می‌آورد تا توصیف‌های عمومی یا خصوصی برای خود ایجاد کنند یا با دیگر اعضای شبکه ارتباط برقرار کنند؛ منابع خود را با آنها به اشتراک بگذارند؛ و از میان توصیف‌های عمومی افراد دیگر، برای یافتن اتصالات جدید استفاده کنند (عدلی‌پور و پیرنیا، ۱۳۹۳: ۸۹). پس شبکه‌های اجتماعی مجازی فراهم‌کننده فضایی هستند که اولاً، در آن امکان برقراری ارتباط میان اعضای جامعه وجود دارد و ثانیاً، هر یک از کاربران می‌توانند در آن به تولید محتوا و اشتراک‌گذاری اطلاعات شامل متن، عکس، فیلم، پیوند، فایل و هرگونه داده دیگر بپردازند.

ظهور این شبکه‌ها از اواخر دهه ۹۰ و تداوم روند تکامل آنها از سویی، باعث پیشرفت و بهبود امکانات آنها در تسهیل ارتباطات و اشتراک‌گذاری محتوای بین‌افردی و جمعی شده و از سوی دیگر، این شبکه‌ها با ویژگی‌هایی نظیر جذابیت، سرعت تبادل اطلاعات، تنوع موضوعات، سهولت دسترسی

و احساس لذت، باعث جلب توجه اقشار مختلف جامعه به‌ویژه نوجوانان و جوانان شده‌اند (سلیمانی‌پور، ۱۳۸۹). در نتیجه، این شبکه‌ها مانند سیلابی هستند که جوامع را فراگرفته و در حال پیشروی هستند. بدیهی است که چنین حرکت عظیمی باعث تغییر در حوزه‌های مختلف زندگی بشر شده و تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... را با خود به همراه خواهد داشت. از این رو، نظام‌های سیاسی برای مدیریت این تحولات به ناچار برخی جنبه‌ها و مصادیق آن را به‌عنوان تهدید امنیتی بر ساخته تا فرصتی فراهم آورند با بهره‌گیری از آن، برخی سویه‌های کژکارکردی و پیامدهای آن را که به نظر آنها تهدیدی کننده بقای امنیت ملی است، مدیریت کنند.

جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. ذهنیت نخبگان جمهوری اسلامی به دلیل حساسیت‌های ارزشی و فرهنگی و ساخت انقلابی و دشمنی نظام سلطه با آن از همان ابتدا نسبت به تحولات فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، تهدیدانگاران بوده و در برخی برهه‌ها رسانه‌هایی چون ویدئو و ماهواره به‌مثابه تهدید امنیتی بر ساخته شده‌اند. همین نگاه در مواجهه با شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز تداوم یافته است. فیلترینگ یوتیوب، فیس‌بوک و توئیتر بعد از حوادث سال ۱۳۸۸ در سایه همین بازنمایی تهدید شکل گرفت. این فرایند ادراک تهدید در پی ظهور گوشی‌های هوشمند و قابلیت نصب اپلیکیشن‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی روی آن بیش از پیش تشدید شد. از این رو «وی چت» در زمستان ۱۳۹۲، وایبر در اردیبهشت ۹۴ و بالاخره تلگرام در اردیبهشت ۱۳۹۷ فیلتر شدند (نیک‌نژادی، ۱۳۹۸/۳/۱۱). جالب آنکه از سال ۹۳ به بعد، برخی نهادهای دولتی و امنیتی در مواجهه با تهدید وایبر، با حمایت فنی و سیاسی از تلگرام زمینه‌ساز گسترش و انحصار آن در ایران شده بودند (آزادی، ۱۳۹۷: ۱۸۸). هم اکنون نیز گاه و بی‌گاه اخبار و شایعاتی مبنی بر فیلترینگ «اینستاگرام» به گوش می‌رسد.

این برسازگی تصویر «تهدید» از شبکه‌های اجتماعی معمولاً با توسل به دو هدف مرجع اتفاق می‌افتد؛ یکی، تهدید علیه ایده اصلی حاکمیت در بخش سیاسی؛ و دیگری، به خطرافتادن ارزش‌های اخلاقی - دینی جامعه و دارایی‌های اصلی نظیر خانواده در بخش فرهنگی. در بخش سیاسی، بر نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایجاد و گسترش ناآرامی‌های اجتماعی و اعتراضات سیاسی مانند حوادث سال ۸۸ دی ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸، بزرگ‌نمایی مشکلات جامعه و ناکارآمدنمایی نظام، گسترش حس بی‌اعتمادی به نظام و بسیج افکار عمومی علیه آن، سازماندهی و عضوگیری گروه‌های معاند و اپوزیسیون در فضای مجازی، پایش اطلاعات کاربران ایرانی توسط سازمان‌های اطلاعاتی

دشمن به منظور مهندسی اجتماعی در راستای براندازی نظام یا تغییر رفتار سیاسی آن، مخدوش‌سازی چهره بین‌المللی نظام در سایه شایعه‌سازی‌ها و سیاه‌نمایی‌های برخی گروه‌های اجتماعی و سیاسی معاند یا اپوزیسیون تأکید می‌شود (ندری، ۱۳۹۸: ۷۲-۷۵؛ عدلی‌پور و پیرنیا، ۱۳۹۳: ۹۸؛ پالیزبان، ۱۳۹۴: ۶۴۲ و ۶۴۷؛ مجردی، ۱۳۸۹/۷/۱۷).

در بخش فرهنگی نیز معضلاتی نظیر فقدان/تضعیف کنترل رسانه‌ای در این شبکه‌ها و بی‌اخلاقی‌ها و بی‌بند و باری‌هایی نظیر رواج هرزه‌نگاری (پورنوگرافی) و هرزه‌پسندی، ترویج روابط آزاد و سبک‌های جدید زندگی و به خطر افتادن کيان خانواده؛ تضعیف اعتقادات دینی و گسترش شبهات فکری؛ افزایش هنجارشکنی‌های اجتماعی، بالارفتن آمار جرم و اعمال مجرمانه و تشدید آسیب‌های اجتماعی اجتماعی برجسته‌سازی می‌شود (مطلبی و دیگران، ۱۳۹۶: ۷-۹۶). هرچند برخی از این نگرانی‌های فرهنگی مشترک میان اکثر کشورهاست، ولی به خاطر حساسیت‌های دینی و فرهنگی حکومت دینی، خطوط قرمز نظام جمهوری اسلامی در این بخش پررنگ‌تر بوده و دامنه شمول آن نیز بیشتر است. با این وجود، این تصویرسازی تهدید چندان با اقبال عمومی مواجهه نبوده است. تلگرام پس از فیلترینگ همچنان محبوب‌ترین شبکه‌های اجتماعی در جامعه ایران است. بنا به داده‌های آماری مرکز «افکارسنجی دانشجویان» وابسته به جهاد دانشگاهی در اواخر سال ۱۳۹۷- سال فیلترینگ تلگرام- همچنان ۵۶ درصد کاربران شبکه‌های اجتماعی در ایران از تلگرام استفاده کرده‌اند. شاهد دیگر، استقبال مردم از تلگرام حتی با وجود فیلتر شدن را می‌توان در بازگشت رسانه‌های رسمی نظیر خبرگزاری فارس به این اپلیکیشن دانست (خبرآنلاین، ۱۳۹۸/۲/۱۶).

همچنین، هرچند آمار رسمی از کاربران ایرانی تلگرام در حال حاضر وجود ندارد، اما تخمین‌ها از استفاده ۴۰ تا ۵۰ میلیون کاربر ایرانی حکایت دارد. برای نمونه، بررسی‌های مرکز پژوهشی «بتا» در سال ۱۳۹۹ حاکی از آن است که تلگرام بیش از ۴۹ میلیون کاربر ایرانی دارد. این بستر در حال حاضر بیش از ۲ میلیون کانال دارد که در طول سال بیش از ۵۰۰ میلیون پست منتشر می‌کنند. این تعداد پست در مجموع بیش از ۱۰۰ میلیارد نمایش به خود اختصاص می‌دهد؛ که این نشان‌گر آن است که هنوز تلگرام به‌عنوان پیام‌رسان در کاربردهای مختلف برای کاربران ایرانی کاربرد دارد (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۹/۹/۲۹). توثیق نیز یکی از شبکه‌های اجتماعی نخبگانی است که کاربران ایرانی آن بیش از ۲ میلیون نفر تخمین زده شده است. آنها در طول یک سال در حدود ۵۰۰ میلیون توییت منتشر

می‌کنند که از این تعداد ۲۰۰ میلیون ریتوئیت انجام می‌شود (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۹/۹/۲۹). بنا به مطالعه فوق، توئیتر بعد از تلگرام و اینستاگرام، پُرفردارترین شبکه اجتماعی مجازی در کشور است. جالب آنکه با وجود محدودیت دسترسی این شبکه اجتماعی، بیشتر شخصیت‌های ایرانی شامل مسئولان بلندپایه نظام، وزرا، نمایندگان و مدیران کشوری و همچنین، شخصیت‌های اجتماعی، فرهنگی و هنری و... از این شبکه استفاده می‌کنند.

این داده‌ها و اطلاعاتی نظیر آن، این سؤال را به ذهن متبادر می‌کند که چرا امنیتی‌سازی شبکه‌های اجتماعی در ایران با شکست مواجه شده است؟ در ادامه به آسیب‌شناسی این روند پرداخته خواهد شد.

۱. تعدد بازیگران تصمیم‌ساز و ابهام در صلاحیت بازیگر امنیتی‌کننده

یکی از سؤالات اصلی در فرایند امنیتی‌سازی آن است که چه کسی مجاز است تا با اقتدار در مورد امنیتی‌سازی یک مسئله یا پدیده صحبت کند؟ از نگاه مکتب کپنهاگ، بازیگران سیاسی-امنیتی نظیر سران قوه مجریه و حکومت، وزرای ارشد، دیپلمات‌ها و مقامات بلندمرتبه سیاست خارجی یا متخصصان امنیتی از ارتش، پلیس یا سرویس‌های اطلاعاتی بنا به ماهیت مسئله یا پدیده دارای جایگاه رسمی و از پیش تعیین‌شده برای اعلان امنیتی‌سازی آن بوده؛ اقتداری از پیش تعیین‌شده در این زمینه دارند؛ و صدای آنها مشروع است. محققان پساکپنهاگی چنین تصویری از اقتدار از پیش تعیین‌شده برای بازیگران امنیتی‌ساز را به چالش کشیده و به تحلیل فرایند اقتداریابی^۱ (چگونه بازیگران مختلف منابع و سرمایه‌های لازم را بسیج کرده تا مسئله/پدیده‌ای را امنیتی‌سازی یا غیرامنیتی کنند) توجه نشان می‌دهند؛ به‌ویژه آنکه در مورد مسائل و پدیده‌های جدید و غیرمتعارف و در محیط‌های کمتر نهادینه‌شده (جوامع در حال گذار) همواره این مشکل وجود دارد که بازیگران متعددی بر سر امنیتی‌سازی یک پدیده با هم مناقشه داشته و اقتداری از پیش تعیین‌شده وجود ندارد (Stritzel, 2014: 46-50).

مصادق بارز این مشکل را می‌توان در فرایند امنیتی‌سازی شبکه‌های اجتماعی مجازی در جامعه ایران مشاهده کرد. از سویی شاهد آن هستیم که نهادها و سازمان‌های مختلفی نظیر وزارت ارتباطات،

قوه قضائیه، شورای عالی فضای مجازی، کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه، شورای عالی امنیت ملی و... نسبت به مدیریت و کنترل شبکه‌های اجتماعی مجازی احساس وظیفه کرده و گاه و بی‌گاه یکی از آنها یکی از شبکه‌های اجتماعی را به‌مثابه تهدید امنیتی بر ساخته و دستور به فیلترینگ موقت یا دائم آن داده است. پس اولین مشکل در اینجا آن است که آیا نهاد امنیتی ساز صلاحیت قانونی این کار را داراست یا نه؟ همان‌طور که در برسازگی تلگرام به‌مثابه مسئله امنیتی برخی معتقد بودند که «فیلتر تلگرام آن هم به بهانه موضوعات تهدید امنیتی و مصالح ملی نباید توسط قوه قضائیه انجام شود، بلکه باید در مراجع عالی امنیتی همچون شورای عالی امنیت ملی مطرح می‌شد. اینکه آیا پیام‌رسان‌های خارجی تهدید برای امنیت ملی ما هستند؛ اینکه چقدر فعالیت آنها به اقتصاد کشور لطمه می‌زند؛ یا این موضوع که فرهنگ و نهاد خانواده ما چقدر از محل تلگرام آسیب می‌بیند؛ موضوعات فنی محسوب می‌شوند که تشخیص آنها تنها در صلاحیت مراجع امنیتی است» (کاظمی، ایران: ۱۳۹۷/۲/۱۳).

از سوی دیگر، در برخی موارد، مناقشات سیاسی شدیدی بر سر امنیتی‌سازی/عدم امنیتی‌سازی شبکه‌های اجتماعی در کشور وجود داشته است. برای نمونه، در موضوع فیلترینگ تلگرام سه جهت‌گیری کلی وجود داشت. دولت و جناح حامی آن مخالف این امر بودند؛ چون از سوی شبکه ارتباطی که جریان حزبی و فکری حامی آن در بستر تلگرام فراهم آورده بود، ظرفیت مناسبی برای پیروزی دولت و جریان سیاسی حامی آن در انتخابات‌های گذشته مهیا کرده بود و از سوی دیگر، از نظر اقتصادی، دولت بزرگ‌ترین ذی‌نفع فروش ترافیک پهنای باند بین‌الملل به شمار می‌رفت. بر اساس آمار غیررسمی، درآمد دولت از فضای مجازی که عمدتاً در بخش فروش ترافیک است، در رتبه سوم بعد از نفت و مالیات قرار دارد و واضح است که در شرایطی که بیش از ۶۰ درصد این ترافیک معادل حدود ۷۲۰۰ میلیارد تومان در سال به تلگرام اختصاص داشت، فیلتر آن به معنای از دست‌دادن بزرگ‌ترین منبع درآمدی دولت در حوزه فاوا بود (آزادی، ۱۳۹۷: ۱۸۹). در مقابل، جناح رقیب دولت نیز متأثر از نقش‌آفرینی تلگرام در نتایج انتخابات گذشته و با برجسته‌سازی نقش تلگرام در شکل‌گیری معضلات امنیتی نظیر اغتشاشات سال ۹۶ و بحران سکه و ارز در همان سال و صد البته متأثر از حساسیت‌های مذهبی پایگاه اجتماعی حامی خود، تصویری تهدیدگونه از تلگرام را بازنمایی می‌کرد که به ناچار باید آن را فیلتر کرد.

در این میان، برخی حرفه‌مندان امنیتی و کارشناسان فضای مجازی در «شورای عالی فضای مجازی کشور» بر آن بودند که با امنیتی‌سازی تلگرام و مسدودسازی آن، به مؤسسان آن فشار آورده تا با انتقال سرورهایش به داخل کشور، هم در چارچوب قوانین کشور به فعالیت پرداخته و هم عواید اقتصادی نظیر پرداخت مالیات، نصیب کشور شود (فیروزآبادی، ۱۳۹۷/۶/۲۶). این سطح از مناقشه با دخالت رسانه‌های معاند و اپوزیسیون نظام به عنوان بازیگران کارکردی (ذی‌نفع) بیش از پیش تشدید شده و حتی فعالان اجتماعی مختلف را نیز درگیر کرد. علاوه بر این، در برخی مواقع، بازیگر امنیتی‌ساز سرمایه اجتماعی لازم را برای اجرای این امر نداشته است. برای نمونه، در فیلترینگ تلگرام، بازپرسی که این حکم را صادر کرد، یک سال و نیم بعد از صدور حکم -در مهرماه ۹۸- به اتهام فساد بازداشت و به ۱۰ سال زندان محکوم شد. در نتیجه، می‌توان گفت که یکی از معضلات موجود در زمینه امنیتی‌سازی شبکه‌های اجتماعی، تعدد بازیگران تصمیم‌ساز و امنیتی‌کننده -ابهام بر سر اینکه چه کسی مجاز به این کار است و دعوای سیاسی بر سر اینکه چه کسی می‌تواند فیلتر کند- مناقشه سیاسی شدید پیرامون ارائه تصویر تهدید ارائه‌شده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و در برخی موارد، نداشتن سرمایه اجتماعی لازم از سوی بازیگر امنیتی‌ساز بوده است.

۲. چارچوب‌بندی و تصویرسازی نامناسب و مخدوش‌شدن تصویر ارائه‌شده از تهدید

یکی از رموز امنیتی‌سازی موفق، ایجاد ترس در اذهان عمومی مخاطبان نسبت به خطرات دادن هدف مرجع امنیتی است. در حقیقت، ترس، مهم‌ترین احساس مطرح در امنیتی‌سازی است؛ چون با وجود ترس، مردم عملکرد به مراتب غیرمنطقی‌تری دارند و بیشتر این احتمال وجود دارد که حق استفاده از ابزارهای خارق‌العاده را به حکومت بدهند تا بلکه حکومت بتواند امنیت آنها را تضمین کند (Shipoli, 2018: 81). برای انجام این کار، در برخی مواقع باید از امنیتی‌سازی متعارف و موقت فراتر رفته و با توسل به آنچه که والتی «چارچوب‌بندی»^۱ تهدیدها خوانده (Vultee 2011: 77-78) یا استرایتزل «تصویرسازی تهدید»^۲ گفته (Stritzel, 2014: 52) چهره‌ای مانا و پایدارتر از تهدید ارائه داده؛ تا به تدریج مخاطب را با خود همراه کرد.

-
1. Framing
 2. Threat imaging

بی‌توجهی به نکته فوق، یکی از آسیب‌پذیری‌های موجود در موضوع امنیتی‌سازی شبکه‌های اجتماعی مجازی و مصادیق آن است. در حالی که با توجه به پُرطرفداربودن شبکه‌های اجتماعی مجازی، تهدیدنمایی آنها نیازمند ارائه تصویر تهدید از آنها و چارچوب‌بندی مناسب در طول زمان است، بازنمایی تهدید از آنها معمولاً موقتی بوده -حداکثر یک ماه قبل از امنیتی‌سازی آنها و معمولاً یک هفته بعد از آن- و با توسل به چند مصاحبه با کارشناسان رسانه‌ای طرفدار آن یا ساخت مستند تلویزیونی مانند «بدون فیلتر: روایتی از پشت‌پرده تلگرام» اتفاق افتاده است. جالب آنکه در همین فرایند موقت نیز تصویری منسجمی از تهدید ارائه نمی‌شود. برای نمونه، در قضیه فیلترینگ تلگرام، گاه بر نقش این شبکه در بی‌ثبات‌سازی سیاسی و وقوع اعتراضاتی نظیر ناآرامی‌های ۱۳۹۶ تأکید شده؛ گاه از در اختیاربودن اطلاعات جامعه نزد بیگانگان گلابه شده؛ و گاه از عواقب اقتصادی نظیر تلاش تلگرام برای تولید رمزارزها سخن به میان آورده شده است (نینوایی، ۱۳۹۷/۱/۱۸).

علاوه بر این، تهدیدنمایی فوق از سوی مخالفان سیاسی و اجتماعی آن نیز به‌شدت مخدوش می‌شود. مخالفان با قراردادن ملاحظات امنیت فردی و انسانی در برابر ملاحظات امنیت ملی موافقان، به نوعی امنیتی‌سازی شبکه‌های اجتماعی مجازی و مسدودسازی آنها را زیر سؤال می‌برند. برای نمونه، در قضیه مسدودسازی تلگرام، مخالفان استدلال می‌کردند که وقتی «آزادی بیان» به عنوان اصل بدیهی از حقوق ملت مورد تأکید است، یکی از اصول مرتبط با آن «آزادی وسیله بیان» است؛ یعنی مردم همان‌گونه که حق دارند آزادی بیان داشته باشند، این حق را هم دارند که وسیله ارتباطی خود را انتخاب کنند و محروم کردن مردم از حق آزادی وسیله بیان، نقض اصل آزادی بیان محسوب می‌شود (حسن‌میری، خبرآنلاین: ۱۳۹۴/۸/۲۲). همچنین، به نظر آنها، بعد از فیلترشدن تلگرام به‌شدت شاهد گسترش بدافزارها و باج‌افزارهای موبایلی خواهیم بود؛ چون کامپیوترها و گوشی‌های موبایل به دلیل نیاز به دسترسی به تلگرام با وعده فیلترشکن، آلوده به انواع بدافزار می‌شوند و این امر جدا از پیامدهای فرهنگی، پیامدهایی نظیر سوءاستفاده از اطلاعات کاربران گوشی‌ها و کامپیوترها، در اختیار قراردادن اطلاعات به افراد غیرمجاز، رشد بی‌سابقه باج‌افزارها، مراجعه شدید به پلیس فتا و بالارفتن آمار کلاهبرداری و دزدی‌های اینترنتی را برای امنیت شخصی افراد به همراه خواهد آورد (نصیری، ۱۳۹۷). استدلال دیگر مخالفان آن بود که مسدودسازی تلگرام باعث به خطر افتادن فرصت‌های کسب و کاری است که به واسطه این فضا شکل گرفته است.

۳. بی‌توجهی به تنوع مخاطبان و برنامه‌ریزی برای اقناع آنها

در فقدان مخاطبی که بتواند مسئله امنیتی را بپذیرد، نمی‌توان از امنیتی‌سازی موفق مسائل صحبت کرد. با این وجود، برخی محققان پساکپنهاگی در راستای تقویت بُعد جامعه‌شناسانه امنیتی‌سازی به این نکته اشاره داشته‌اند که نگاه مکتب کپنهاگ به مخاطب، ساده‌انگارانه و بیش از حد تعمیم‌یافته است. به نظر آنها، با توجه به نقش اساسی مخاطبان در شکست یا موفقیت امنیتی‌سازی، مخاطبان نه تنها گروه همگنی نیستند، بلکه دارای طیف‌های متفاوت بوده و آنها در برابر استدلال‌های مختلفی شنوا هستند و در نتیجه، هر گروه از مخاطبان می‌تواند دارای قدرت متفاوتی باشند. از این زاویه، امنیتی‌سازی عرصه مذاکره و گفتگو با مخاطبان متنوع و تلاش برای اقناع آنها یا حداقل به سکوت واداشتن آنهاست.

توجه به نکته فوق ما را به آسیب بعدی در موضوع امنیتی‌سازی شبکه‌های اجتماعی مجازی رهنمون می‌کند. به نظر می‌رسد نگاه غالب در جمهوری اسلامی در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی با توجه به حساسیت‌های دینی آن و فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی، تا حدی نگاه از بالا به پایین است (وحید، ۱۳۸۲: ۱۵). در این نگاه، دولت‌مردان خود را به‌مثابه درمان‌گران آنچه که آسیب می‌پندارند، تصور می‌کنند. بنابراین، گاه بخشی از منطق حیات اجتماعی کنش‌گران در ایران معاصر در قالب نوعی ناهنجاری تئوریزه می‌شود که نیازمند «آگاهی‌بخشی»، «فرهنگ‌سازی»، «آموزش» و... در وجه نرم و «الگوهای تنبیهی» در وجه سخت است (حیدری، ۱۳۹۷/۱/۲۳). در چنین شرایطی، بیشتر به توجیه مخاطبان پرداخته شده و کمتر به مذاکره و اقناع آنها توجه می‌شود. این آسیب به خوبی در مسدودسازی تلگرام آشکار است. به اعتقاد برخی کارشناسان «در امنیتی‌سازی تلگرام، مسئولان امر باید به خود مردم رجوع کرده و جلساتی با بخش خصوصی، فعالان عرصه دانش‌بنیان، جامعه‌شناسان، صاحب‌نظران ارتباطات، فعالان فضای مجازی و... بگذارند و حرف آنها را هم بشنوند و بر اساس آن تصمیم بگیرند؛ نه اینکه عده‌ای برای مردم تصمیم بگیرند که شناختی از این شبکه‌ها ندارند و با این فضا آشنا نیستند» (امامی، ۱۳۹۷/۱۰/۳).

برخی دیگر، قبل از فیلترینگ تلگرام چنین توصیه داشتند: «اگر طرفداران فیلترینگ تلگرام قصد دارند در نهایت چنین کاری انجام دهند، ابتدا شرایط گفت‌وگوی اجتماعی فراگیر برای متقاعدکردن

مردم به پذیرش فیلترینگ تلگرام را انجام دهند. همچنین، فیلترینگ یکباره و بدون طی کردن یک مرحله گذار که به کاربران اجازه دهد خود را با شرایط جدید منطبق کرده و برای مثال کسب و کارهای تلگرامی بتوانند مسیرهای جایگزین را پیدا کنند، بر عمق و شدت نارضایتی‌ها می‌افزاید» (فاضلی، ۱۳۹۷/۱/۲۳). مواردی این‌چنینی حکایت از آن دارد که بازیگران امنیتی‌ساز در این حوزه کمتر با مخاطبان مختلف مذاکره کرده و تنها به یکسری تبلیغات توجیه‌گرایانه برای توده اکتفا کرده‌اند.

۴. کم‌توجهی به بافتار در امنیتی‌سازی

حرکت امنیتی‌کننده زمانی به امنیتی‌سازی موفق منجر می‌شود که توسط بافت جامعه تشدید و تقویت شود. در این راستا، بالزاک معتقد است که تنها به واسطه قدرت جادویی کلمات نمی‌توان به تهدید موجودیت بخشید، بلکه باید این صورت‌بخشی زبانی توسط بافت نیز مورد تأیید قرار گرفته و تقویت شود. به بیان بالزاک، جلب توجه مخاطب به سمت تصویر ساخته‌شده از مسئله به‌عنوان تهدید علاوه بر به‌کارگیری مناسب زبان امنیتی و قدرت کلمات، نیازمند تقویت و تشدید از سوی بافت و زمینه بیرونی است (Balzacq, 2011a: 11-13). در امنیتی‌سازی شبکه‌های اجتماعی مجازی، مشکل اساسی آن است که بخش بزرگی از جامعه به دلیل ویژگی‌های بافتاری، چندان با این تصمیم همراهی نمی‌کند. از سویی، بخش غیررسمی جامعه شامل اقشار اثرگذار و نخبه اجتماعی که در اداره حکومت نقش چندان‌ی ندارند -به‌ویژه اقشار مدرن نظیر روشنفکران، دانشگاهیان یا به عبارتی طبقه متوسط جدید رو به بالا- (رفیع‌پور، ۱۳۹۳: ۱۲۳) سعی دارد از فرصت به وجود آمده استفاده کرده و در فضای ناشی از گسترش شبکه‌های اجتماعی مجازی، ضمن غلبه بر محدودیت‌های سیاسی و فرهنگی جامعه رسمی، به گسترش افکار و اندیشه‌های خود پردازد.

پس فضای مجازی فرصت زیست برای بخش غیررسمی جامعه ایجاد کرده است. از سویی دیگر، گسترش شبکه‌های اجتماعی منطبق با بافت فرهنگی توده جامعه نیز است. برای نمونه، مردم ایران از گذشته، کردارهای ارتباطی مشخصی داشته‌اند که نشان از اهمیت ارتباط با دیگران خصوصاً در جمع‌های محلی و کوچک برای آنها دارد. برای نمونه، در گذشته، شب‌نشینی سنت رایجی در خانواده‌های ایرانی بوده یا جمع‌شدن افراد یک محله و همسایگی در غروب‌های تابستان در کوچه و گپ‌زدن، امر معمولی بوده است. بنابراین، می‌توان گفت ارتباط در رسانه‌های اجتماعی جدید (مانند

گروه‌های مبتنی بر علاقه تلگرام) بازتولید این ساختار فرهنگی است (کرمانی و آتش‌زر، ۱۳۹۸: ۲۸۱). به عبارت دیگر، همان‌طور که یکی از کارشناسان درباره همه‌جایی شدن تلگرام تأکید دارد: «مردم ایران ذاتاً مردمی اجتماعی هستند که دوست دارند دور هم جمع شوند و صحبت کنند. حال آنکه در برخی از فرهنگ‌ها، حضور در اجتماع به اندازه فرهنگ ما اهمیت ندارد. تلگرام با این فرهنگ جامعه ما عجین بود و به تداوم اجتماع‌ها در فضاهاى مجازى کمک کرد» (امامی، ۹۸/۳/۲۰).

این دو خصیصه زمینه‌ای باعث شده تا شبکه‌های اجتماعی مجازى طی یک دهه گذشته با اقبال ایرانیان مواجه شوند. ایرانیان در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ رتبه چهارم وب‌نویسى جهان را کسب کرده‌اند. با ورود اورکات^۱ و طی بازه زمانى ۸۴-۱۳۸۳ آنها رتبه سوم را در بین کشورهای پرکاربر در این سایت کسب کرده‌اند (ضیایی‌پرور و عقیلی، ۱۳۸۸: ۲۹). در سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۱ فیسبوک محبوب‌ترین رسانه اجتماعی مجازى در ایران بود. با ورود شبکه‌های اجتماعی موبایلى، ابتدا وایبر در ایران محبوب شد (۱۳/۵ درصد از کاربران وایبر، ایرانی بودند) و بعداً با فیلتر وایبر، این تلگرام بود که به شدت از سوی جامعه با استقبال روبرو شد؛ به‌طوری که در فاصله زمانى اندکى کاربران ایرانی رتبه اول را در بین کاربران جهانى این شبکه به دست آورده و حتى فیلترینگ هم نتوانست جلوى محبوبیت تلگرام را بگیرد (کرمانی و آتش‌زر، ۱۳۹۸: ۲۵۳-۲۵۲).

اگر آمارهای این‌چنینى حکایت از انطباق بافت اجتماعى و فرهنگى جامعه ایران با رشد شبکه‌های اجتماعى مجازى دارد، در مقابل، برخی ویژگی‌های فرهنگ سیاسى ایرانیان نظیر بدبینى به سیاست و حاکمیت و بی‌اعتمادى به حکومت و نخبگان سیاسى باعث شده تا جامعه با برخی سیاست‌گذارى‌های رسمى درباره شبکه‌های اجتماعى مجازى از جمله امنیتی‌سازی و فیلترینگ برخی شبکه‌ها همراهى نکند. نماد این بی‌اعتمادى را مى‌توان در عدم اقبال به شبکه‌های اجتماعى داخلی یافت. در سایه این بی‌اعتمادى است که کاربران دلواپسى‌هایی نظیر پایش و ردیابى فعالیت‌های خود در این رسانه‌ها را داشته و این دغدغه‌ها، آنها را نسبت به فعالیت در این رسانه‌ها بی‌علاقه کرده است (بصیریان جهرمى و خانیکى، ۱۳۹۳: ۶۲-۶۱). در موقعیتى بغرنج، کاربران ایرانی حاضرند اطلاعاتشان مورد استفاده بیگانگان باشد، اما به دست آشنا نیفتد.

۵. سیاست‌گذاری نامناسب

یکی از کارکردهای امنیتی‌سازی می‌تواند ایجاد «پنجره سیاست‌گذاری»^۱ مناسب در راستای مدیریت یک پدیده/مسئله باشد. پنجره‌های سیاست‌گذاری، فرصت‌های زودگذری هستند که سیاست‌گذاران برای مطرح کردن راه‌حل‌های خود یا جلب‌نظر عموم به مسائل خاص از آنها استفاده می‌کنند. البته این پنجره سیاست‌گذاری برای فرصت کوتاهی باز شده و کارآفرینان سیاست‌گذاری با اتخاذ راه‌کارهای مناسب مواجهه با مسئله باید حداکثر استفاده از آن را بکنند (دانایی‌فر، ۱۳۹۵: ۱۰۱-۱۰۰). برای این کار، بازیگر امنیتی‌ساز باید بتواند با ارائه شواهدی دال بر تهدیدبودن پدیده/مسئله، آن را در دستورکار قرار داده (جریان مسئله‌ای)؛ جو سیاسی جامعه را به سمت آن سوق داده (جریان سیاسی)؛ و بدیل‌ها و راه‌کارهای محتمل را استخراج و به کار گیرد (جریان خط‌مشی). همان‌طور که بالزاک خاطر نشان کرده، بازیگران امنیتی در این راه از دو ابزار سیاست‌گذاری استفاده می‌کنند: ابزارهای تنظیمی^۲ و ابزارهای ظرفیتی^۳. ابزارهای تنظیمی به دنبال عادی‌سازی رفتار اشخاص مورد نظر هستند (مانند مقررات سیاسی، قانون اساسی و...).

این نوع از ابزارهای سیاست‌گذاری، از طریق مجازدانستن اقدامات معینی و ممنوع‌سازی برخی از انواع فعالیت‌های سیاسی که به‌مثابه تهدید تعریف شده (از طریق ترویج ادراک معینی از تهدید) درصدد نفوذ بر رفتارهای بازیگران اجتماعی بوده تا تهدید را کاهش دهد. آنچه ابزارهای تنظیمی را بسیار جذاب می‌کند، آن است که آنها اغلب چارچوبی را فراهم می‌کنند که از طریق آن، ابزارهای ظرفیتی عمل می‌کنند. ابزارهای ظرفیتی، مهارت‌های توانمندسازی را ضروری ساخته و شامل آن مهارت‌هایی است که به افراد، گروه‌ها و کارگزاران اجازه می‌دهد تا تصمیماتی را گرفته و فعالیت‌هایی را پیش ببرند؛ که احتمال معقولی از موفقیت را داراست. در حالی که ابزارهای تنظیمی اساساً مرتبط با فرایند حکومت‌مندی است، ابزارهای ظرفیتی شرایط ویژه‌ای هستند برای تحمیل نظم بیرونی بر افراد و گروه‌ها. به این معنا، ابزارهای ظرفیتی شامل منابعی همچون اطلاعات، آموزش، زور و سایر منابع لازم برای دستیابی به اهداف سیاست‌گذاری هستند (Balzacq, 2011: 17).

-
1. Policy window
 2. Regulatory instruments
 3. Capacity tools

با توجه به نکات فوق، اگر امنیتی‌سازی با سیاست‌گذاری مناسب برای مدیریت و ساماندهی تهدید همراه نباشد، چندان سودمند نخواهد بود. این نکته، یکی دیگر از آسیب‌هایی است که در امنیتی‌سازی شبکه‌های اجتماعی مجازی وجود داشته است. سیاست‌گذاری‌های انجام‌شده در این زمینه بیشتر متأثر از راهبردهای سلبی (تدافعی مثل فیلترینگ) بوده و کمتر از راهبردهای ایجابی نظیر ایجاد و تنوع‌سازی (ایجاد شبکه‌های اجتماعی مجازی ملی، شبکه‌های اجتماعی تخصصی و...)، راهبردهای همکاری و تشریک مساعی (مشارکت مالی/غیرمالی با تأمین‌کنندگان داخلی و خارجی خدمات اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به‌منظور تضمین نظارت دولت بر محتوای شبکه‌های اجتماعی)، راهبردهای استفاده هدفمند (مثل ارائه خدمات دولت الکترونیک از طریق شبکه‌های اجتماعی ملی)، راهبردهای آموزش و آگاه‌سازی (بالا بردن سواد رسانه‌ای جامعه) استفاده شده؛ یا اگر استفاده شده (مانند بومی‌سازی) چندان جدی گرفته نشده و الزامات انجام آن فراهم نشده است. (طالب‌پور و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۷-۴۶ و ۶۶).

این رویه متأثر از عواملی نظیر ابهام در نوع مواجهه با شبکه‌های اجتماعی جدید و میزان به رسمیت‌شناسی آنها، شکاف میان آرمان‌ها با ملزومات و امکانات در حوزه مدیریت شبکه‌های اجتماعی مجازی، تنوع نهادها و متولیان این حوزه و مشخص نبودن حدود اختیارات و وظایف هر یک از آنها، نبود شناخت کافی از مخاطبان و مشارکت‌ندادن آنها در سیاست‌گذاری‌ها (فرهنگی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۲۰-۱۱۹) تراکم خطوط قرمز فرهنگی و سیاسی، دخالت اغراض و سلاقی سیاسی در نوع مواجهه با شبکه‌های اجتماعی و... است. در چنین شرایطی، طی سالیان اخیر، مسدودسازی همواره آسان‌ترین و در دسترس‌ترین گزینه بوده، اما تجربه نشان داده که غیرمؤثرترین راه هم بوده است. هرچند باید مدنظر داشت که در مواقع بحرانی، مسدودسازی موقت راه‌کاری است که بسیاری از کشورها از آن استفاده کرده‌اند.

۶. ضعف در غیرامنیتی‌سازی مناسب و به‌موقع

امنیتی‌سازی، همواره کمال مطلوب نیست، بلکه ضرور است. از این‌رو، کارگزاران امنیتی هم باید در شرایط ضروری دست به امنیتی‌سازی مسئله زده و هم در بازه زمانی مناسب، بتوانند آن را غیرامنیتی کنند. با این حال، در جامعه ایرانی عواملی نظیر تراکم و تقاطع شکاف‌های اجتماعی، تشدید توقعات

و انتظارات فزاینده در جامعه و ناکارآمدی برخی از مدیران سیاسی باعث شده تا هر محملی مستعد اعتراض زایی شده و سریع به مسئله امنیتی تبدیل شود (تاجیک، ۱۳۸۳: ۱۵). تلاش بیگانگان و معاندین نظام برای استفاده از این محمل نیز مزید بر علت شده تا در چنین شرایطی، مسائل به راحتی امنیتی شوند؛ ولی در عوض، به سختی غیرامنیتی شوند. این مشکل در امنیتی‌سازی برخی شبکه‌های اجتماعی مجازی به خوبی مشهود است. برای نمونه، هرچند ناآرامی‌ها و اعتراضات ناشی از حوادث بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ اقتضا می‌کرد برای مدتی و به منظور کنترل ناآرامی‌ها شبکه‌های اجتماعی نظیر فیسبوک و توئیتر فیلتر شود، اما بعد از مدیریت و فروکش کردن پدیده باید مسئله به روال عادی خود برمی‌گشت. ولی همچنان این دو شبکه به‌مثابه تهدید برساخته شده و همچنان مسدود هستند.

این مسئله از آنجا مشکل‌زاتر می‌شود که مقامات عالی‌رتبه کشور همچون رئیس‌جمهور و رئیس مجلس، وزرا و معاونین و مدیران آنها، بسیاری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و برخی اعضای شورای شهر، حتی برخی مقامات نظامی و جمعی از نخبگان مذهبی، سیاسی و اجتماعی رسمی کشور در شبکه اجتماعی توئیتر عضویت دارند (پارساپور، ۱۳۹۷/۱۲/۱۲) اما حضور مردم عادی همچنان ممنوع است.

نتیجه‌گیری

به کارگیری نظریه «امنیتی‌سازی» برای ارزیابی اقدامات دولت‌ها در مواجهه با پدیده‌های خارج از کنترل به‌ویژه در مواقع بحرانی می‌تواند اثربخش باشد؛ هرچند سویه انتقادی نظریه همچنان بر لزوم پاسخگوبودن آنها در برابر تهدیدهای ادعایی تأکید دارد. با این حال، به کارگیری این نظریه در محیط‌ها و موضوعات جدید - با توجه به ملاحظات زمینه‌ای و بافتاری - ممکن است سبب اصلاحاتی در این نظریه شده یا یافته‌های جدیدی را به آن اضافه کند. همچنین، این مقاله نشان داد که امنیتی‌سازی مسائل داخلی برای دولت‌ها به چند دلیل به مراتب سخت‌تر از امور خارجی است؛ اول، آنکه تهدیدهای بیرونی هم در افکار عمومی و هم در مطالعات امنیتی بسیار جافتاده‌تر و نهادینه‌تر از تهدیدهای داخلی هستند. بنابراین، مسئله بیرونی راحت‌تر امنیتی‌سازی می‌شود. دوم، آنکه امنیتی‌سازی مسائل خارجی بیشتر با «سیاست قدرت» - وجه آنارشیک نظام بین‌الملل - گره

خورده؛ در حالی که مسائل داخلی با ظرافت‌ها و پیچیدگی‌هایی نظیر استحقاقات، عدالت اجتماعی، قانون، نظم داخلی، مشروعیت و... پیوند داشته که کار را به مراتب پیچیده‌تر می‌کند. سوم، آنکه امنیتی‌سازی مسائل خارجی با دشمن یا رقیب بیرونی سر و کار دارد؛ در حالی که در حوزه داخلی با بخشی از جامعه خودی درگیری وجود دارد. موضوعی که اگر خوب درک نشود، می‌تواند به معمای امنیت رژیم/امنیت ملی تبدیل شود. در نهایت، این مقاله نشان می‌دهد که مواردی نظیر تعدد بازیگران تصمیم‌گیر و ابهام در صلاحیت بازیگر امنیتی‌ساز، چارچوب‌بندی و تصویرسازی نامناسب از تهدید، بی‌توجهی به ویژگی‌های بافت اجتماعی و تنوع مخاطبان، سیاست‌گذاری نامناسب و غیرامنیتی‌نکردن به موقع، از مهم‌ترین عواملی بوده که امنیتی‌سازی شبکه‌های اجتماعی مجازی را با چالش مواجه کرده است. این آسیب‌ها بعضاً در امنیتی‌سازی سایر پدیده‌های داخلی نیز می‌تواند وجود داشته باشد.

منابع

- امامی، حسین (۱۳۹۸/۳/۲۰) در گفتگو با دو پژوهش‌گر ارتباطات مطرح شد: چگونه تلگرام برای مردم ایران به ابزاری برای هر کاری تبدیل شد؟، بازیابی شده از سایت راه دوم پرداخت.
- امامی، حسین (۱۳۹۷/۱۰/۳) امامی: حرف مردم و بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌های فضای مجازی بیشتر شنیده شود، بازیابی شده از سایت شفقنا.
- آزادی، جواد (۱۳۹۷) سناریوی شکست مواجهه با پیام‌رسان‌ها، **دوفصلنامه پیام رشد**، شماره ۲.
- بصیریان جهرمی، حسین و خانیکی، هادی (۱۳۹۳) سیاست‌گذاران ایرانی و سیاست‌گذاری رسانه‌های اجتماعی: چالش‌ها، الگوها و ارائه یک مدل پیشنهادی، **فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی**، شماره ۲۱.
- بوزان، باری و ویور، آلی و دووولد، پاپ (۱۳۸۶) **چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت**، ترجمه علیرضا طیب، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیگو، دیدیه (۱۳۹۲) جامعه‌شناسی سیاسی بین‌الملل، در: پل دی ویلیامز، **درآمدی بر بررسی‌های امنیت**، علیرضا طیب، نشر امیرکبیر.
- پارساپور، آرش (۱۳۹۷/۱۲/۱۲) لیست کامل سیاسیون ایرانی در توئیتر؛ مهمانان پرنده آبی، بازیابی شده از سایت **دیجیاتو**.
- پالیزبان، محسن (۱۳۹۴) بررسی رابطه اینترنت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۵، شماره ۳، پاییز. حسن‌میری، فهیمه (۱۳۹۴/۸/۲۲) از «تلگراف» دیروز تا «تلگرام» جنجالی امروز: پرونده‌ای درباره فیلترینگ، مزایا و معایب تلگرام، بازیابی شده از سایت خبرآنلاین.
- حیدری، آرش (۱۳۹۷/۱/۲۳) آگاهی اجتماعی نزد کیست، در: «فیلترینگ تلگرام؛ مچ‌اندازی موافقان و مخالفان»، روزنامه دنیای اقتصاد، بازیابی شده از سایت **دنیای اقتصاد**.
- خبرگزاری فارس (۱۳۹۹/۹/۲۶) تعداد کاربران فارسی زبان در تلگرام، اینستاگرام و توئیتر.
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۹۵) **گفتارهای جدید در خط‌مشی‌گذاری عمومی**، دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۹۳) **دریغ است ایران که ویران شود**، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- زارع زاده، رسول (۱۳۹۶) نگاه کپنهایکی به امنیتی‌سازی: مبانی و چالش‌ها، **فصلنامه آفاق امنیت**، شماره ۳۶.
- زارع‌زاده، رسول (۱۳۹۲) الگوی تحلیل امنیت داخلی: تبیین مؤلفه‌های اثرگذار بر امنیت داخلی در سطح کلان، **فصلنامه آفاق امنیت**، شماره ۱۹.
- سایت خبرآنلاین (۱۳۹۸/۲/۱۶) یک‌سالگی فیلترینگ تلگرام؛ سودها و زیان‌ها/ تلگرام محبوب‌تر شد؟.
- سلیمانی‌پور، روح‌الله (۱۳۸۹) شبکه‌های اجتماعی؛ فرصت‌ها و تهدیدها، **ره‌آورد نور**، شماره ۹.

- ضیایی پرور، حمید و عقیلی، سید وحید (۱۳۸۸) بررسی نفوذ شبکه‌های اجتماعی مجازی در میان کاربران ایرانی، *فصلنامه رسانه*، شماره ۸۰.
- طالب‌پور، علیرضا و شیدایی، منصور و خلیل‌زاده سلماسی، مریم و عمادی، کیانوش (۱۳۹۳) مرور و دسته‌بندی راهبرد کشورهای جهان در مواجهه با شبکه‌های اجتماعی مجازی، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۷۳.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۵) بررسی و نقد نظریه امنیتی‌ساختن، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۳۳.
- عدلی پور، صمد و پیرنیا، زهرا (۱۳۹۳) مطالعه آثار و پیامدهای سیاسی شبکه‌های اجتماعی مجازی، *دوفصلنامه مطالعات اجتماعی و رسانه*، سال سوم، شماره ۴.
- فاضلی، محمد (۱۳۹۷) دلایل اجتماعی مخالفت با فیلترینگ تلگرام، در: *فیلترینگ تلگرام؛ مچ‌اندازی موافقان و مخالفان*، روزنامه دنیای اقتصاد، بازیابی شده از سایت *دنیای اقتصاد*.
- فرهنگی، محمد مهدی و میرترابی، سعید و گلشنی، علیرضا (۱۳۹۸) تبیین سیاست‌گذاری فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران: الزامات و اصلاح در چارچوب اهداف مورد نظر در اسناد بالادست، *فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، شماره ۲۰.
- فیروزآبادی، ابوالحسن (۱۳۹۹/۶/۱۶) نظر شورای عالی فضای مجازی فیلتر کردن شبکه‌های اجتماعی نیست، بازیابی شده از سایت *ایرنا*.
- کاظمی، محمد (۱۳۹۷/۲/۱۳) کمیته مصادیق بی‌خبر از فیلتر تلگرام، *روزنامه ایران*.
- کرمانی، حسین و آتش آزر، علی (۱۳۹۸) بازی ساختار: مطالعه رویه‌ها و عوامل مؤثر بر استفاده از رسانه‌های اجتماعی در ایران و رابطه آن با ساختارهای اجتماعی، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره ۵۷.
- مجردی، سعید (۱۳۸۹/۷/۱۷) بررسی شبکه‌های اجتماعی مجازی از منظر امنیت اجتماعی، بازیابی شده از سایت *مطالعات امنیت و جامعه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*.
- مطلبی، مسعود و کاظمی، اردشیر و امجدی، حوریه (۱۳۹۶) سیاست‌گذاری فرهنگی و رسانه‌های اجتماعی جدید در جمهوری اسلامی ایران: چالش‌ها و راهکارها، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۳۳.
- ندری، غلامرضا و بخشایشی، احمد و دارابی، علی و مقصودی، مجتبی (۱۳۹۸) بررسی نقش سیاسی-امنیتی شبکه‌های اجتماعی مجازی بر امنیت ملی ج.ا.ایران، *فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی*، شماره ۲۹.
- نصیری، محمد (۱۳۹۷) عواقب احتمالی فیلتر شدن تلگرام در سال ۱۳۹۷، بازیابی شده از سایت *توسینسو*.
- نیک‌نژادی، نوید (۱۳۹۸/۳/۱۱) در خدمت و خیانت تلگرام / چگونه تلگرام به مادر سوپرپ‌های کاربران ایرانی تبدیل شد؟، بازیابی شده از سایت *راه دوم پرداخت*.
- نینوایی، نادر (۱۳۹۷/۱/۱۸)، «موضوع حریم خصوصی مسئله‌ساز است: تمام نظرات موافقان و مخالفان تلگرام، بازیابی شده از سایت *عصر ارتباط*».
- وحید، مجید (۱۳۸۲) از فرهنگ سیاست‌گذاری تا سیاست‌گذاری فرهنگی، در: *سیاست‌گذاری و فرهنگ در ایران امروز* (مجموعه مقالات همایش)، نشر باز.

Balzacq, Thierry (2011a) **Securitization Theory: How Security Problems Emerge and Dissolve**, London: Routledge.

Balzacq, Thierry (2011b) **A Theory of Securitization: Origins, Core Assumptions, and Variants**, In: Thierry Balzacq, *Securitization Theory: How Security Problems Emerge and Dissolve* (ed.) London/New York: Routledge.

- Balzacq, Thierry (2011c) **Enquiries into Methods: A New Framework for Securitization Analysis**, In: Thierry Balzacq, *Securitization Theory: How Security Problems Emerge and Dissolve* (ed), London/New York: Routledge.
- McDonald, M. (2008) Securitization and the Construction of Security, **European Journal of International Relations**, 14 (4).
- Salter, Mark B. (2008) Securitization and Desecuritization: A Dramaturgical Analysis of the Canadian Air Transport Security Authority, **Journal of International Relations and Development**, 11 (4).
- Shipoli, Erdoan A. (2018) **Islam, Securitization, and US Foreign Policy**, Springer Nature Switzerland AG.
- Stritzel, Holger (2014) **Security in Translation: Securitization Theory and the Localization of Threat**, Palgrave Macmillan.
- Vultee, Fred (2011) **Securitization as a Media Frame: What Happens When the Media ‘Speak Security**, in: Thierry Balzacq, *Securitization Theory: How Security Problems Emerge and Dissolve* (ed.), London: Routledge.
- Securitization: Taking Stock of a Research Program in Security Studies**, Mimeo. Waever, Ole (2003)
- Williams, Michael C. (2003) Words, Images, Enemies: Securitization and International Politics, **International Studies Quarterly**, No. 47.